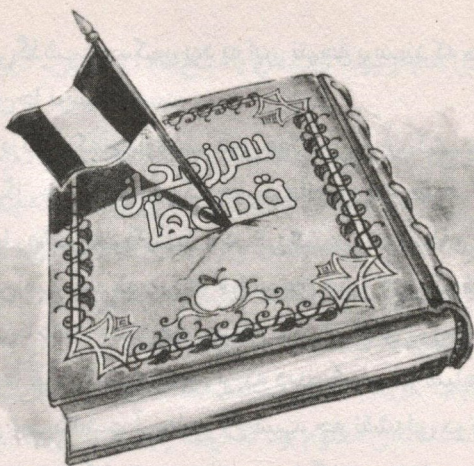


# هشدار برادران گریه

قصه‌های همیشه‌گی

گریه کالفر

الهام فیاضی



## مقدمه

# مهمانان ارتش بزرگ فرانسه

سال ۱۸۱۱، جنگل سیاه، ایالت‌های هم‌پیمان راین بی‌دلیل نبود که مردم به این قسمت از حومه‌ی شهر جنگل سیاه می‌گفتند. برگ‌ها و تنه‌ی درختان این قسمت از جنگل آن قدر تیره بودند که شب‌ها اصلاً دیده نمی‌شدند. حتی با این‌که ماه درخشان، مثل کودکی خجالتی از پشت ابرها سرک می‌کشید، هیچ‌کس فکرش را هم نمی‌کرد که ممکن است چه موجوداتی در آن جنگل انبوه کمین کرده باشند.

موجی از سرما مانند پرده‌ای از حریر، درختان جنگل را در بر گرفته بود. آن‌جا جنگلی دورافتاده و کهنسال بود و همان قدر که شاخه‌های درختان به آسمان قد کشیده بودند، ریشه‌هایشان دل خاک را شکافته بودند. جنگل کاملاً بکر و دست‌نخورده بود؛ حتی با نادیده گرفتن کوره‌راه پیچ‌درپیچی که از